



عوامل مؤثر بر کار آفرینی دانش آموختگان آموزش های علمی کاربردی کشاورزی

شهرام مقدس فریمانی^۱ *، مجتبی رجب بیگی^۲

۱ استادیار موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی

۲ دانشیار موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی ویژگی های فردی و حرفه ای دانش آموختگان کارآفرین آموزش های علمی کاربردی کشاورزی و عوامل پیشبرنده مؤثر بر کارآفرینی آنها انجام پذیرفت. روش تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی و با رویکرد پیمایشی بود. جامعه آماری تحقیق دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهاد کشاورزی بودند. نمونه گیری به صورت در دسترس بود و در مجموع از ۳۲ مرکز آموزشی از هفت مرکز آموزشی موجود مشخصات تعداد ۷۶ دانش آموخته کارآفرین در دسترس گردآوری گردید. ابزار اصلی جمع آوری اطلاعات تحقیق پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی پرسشنامه توسط پانل متخصصان و پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ احراز شد. ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه برای بخشهای مختلف ۰/۸۹ تا ۰/۹۱ بدست آمد. یافته های تحقیق نشان می دهد که دانش آموختگان کارآفرین آموزش های علمی کاربردی کشاورزی بیشتر در دامنه سنی جوان تا میانسال قرار دارند و بیشتر آنها را مردان تشکیل می دهند. نیمی از طیف مورد بررسی فرزند اول یا دوم خانواده خود بودند. از نظر ویژگی های حرفه ای نیز یافته ها نشان می دهند که پاسخگویان بیشتر علاقه مند به فعالیت هایی در زمینه علوم دامی، طیور و آبزیان هستند. با توجه به رشته تحصیلی، نیمی از کارآفرینان در امور تولیدی و مابقی در امور خدماتی و تجاری فعالیت دارند. از نظر وضعیت مالکیت واحدهای کسب و کار، نیمی از کارآفرینان به صورت فردی و نیمی دیگر در اشکال مختلف فعالیت گروهی مشغول فعالیت هستند و سرمایه گذاری شخصی منبع تامین سرمایه اولیه بیشتر کارآفرینان است. همچنین نوع کسب و کار بیشتر کارآفرینان با توجه به تعداد افراد شاغل در آن از نوع کوچک تا متوسط است و بیشتر پاسخگویان از فعالیت خود رضایت دارند و تمایلی به تغییر شغل فعلی خود ندارند. از نظر عوامل مؤثر بر اداره و توسعه واحد کسب و کار کارآفرینان یافته ها نشان می دهد که از نظر پاسخگویان، به ترتیب تجربه اندوزی و ایفای نقش فعال، پیشرفت و نوگرایی، ریسک پذیری و پشتکار، امنیت و استقلال طلبی، سودآوری، سرمایه (سخت افزاری و نرم افزاری) و الگو برداری، امنیت شغلی و حمایت خانوادگی و اعتقادات و وجهه اجتماعی بر این امر تاثیر دارد. شناسایی و تقویت انگیزنده های درونی و فردی برای تشویق دانش آموختگان جهت حرکت به سمت فعالیتهای کارآفرینانه، کشف و پرورش استعداد های استقلال طلبی، نوگرایی و ریسک پذیری دانشجویان علمی کاربردی کشاورزی و تشویق دانش آموختگان دوره های علمی کاربردی کشاورزی جهت راه اندازی فعالیتهای کارآفرینانه در جهت کسب سود اقتصادی و وجهه اجتماعی از پیشنهادات این تحقیق جهت هدایت دانشجویان و دانش آموختگان بسوی فعالیتهای کارآفرینانه بود.



واژه‌های کلیدی: آموزش عالی علمی کاربردی، کسب و کار، کارآفرینی، دانش آموخته کشاورزی

مقدمه

امروزه جوامع مختلف، توسعه خود را مدیون انسانهایی می‌دانند که قادر به تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه خود به حقیقت باشند. آنان روحیه استقلال طلبی برای کاوش موقعیت‌های جدید را داشته و از جرات کافی برای مبارزه با روش‌های متداول و قدیمی برخوردارند. این عوامل تغییر، امروزه کارآفرینان نامیده می‌شوند. لکن آنچه دغدغه بسیاری از محققان امر بوده آن است که چه عواملی در پرورش روحیه کارآفرینی کارآفرینان و به بیان دیگر کارآفرین شدن کارآفرینان موثر است. آیا این عوامل از درون آنها نشأت می‌گیرد یا ناشی از تأثیر عوامل پیرامونی و بیرونی است.

محققان پس از سال‌ها مطالعه روی کارآفرینان به این نتیجه رسیده‌اند که صفات افراد مختلف با انگیزش آنها برای کارآفرینی و عملکرد کارآفرینی آنان ارتباط دارد. جامعه شناسان به شناسایی و گروه‌بندی‌های اجتماعی بر اساس مذهب و نژاد و تأثیر آن‌ها در فعالیتهای کارآفرینانه پرداختند و مردم شناسان به نقشهای فرهنگ و روابط اجتماعی در کارآفرینی توجه نمودند. پس از این بررسی‌ها، برای کارآفرینان ویژگی‌های مختلفی شناسایی شد. متغیرهای شخصیتی و روان شناختی از سوی روان‌شناسان و متغیرهای جمعیت شناسی از سوی جامعه شناسان مطرح گردید. ولی اینکه در شرایط زمانی و جغرافیایی و مقتضیات فرهنگی مختلف هر کدام از این ویژگی‌ها چه تأثیری بر رشد روحیه کارآفرینی در جوامع مختلف دارد همواره مورد سوال و تحقیق محققان بوده است و محققان را بر آن داشته تا به بررسی عوامل شخصیتی و محیطی (تجارب و سوابق شخصی و فردی) و تأثیر آن بر پرورش روحیه کارآفرینی کارآفرینان بپردازند.

علی‌رغم اینکه کارآفرینی رویکردی اقتصادی است اما امروزه صاحب‌نظران دو رویکرد مهم فرهنگی-اجتماعی و رویکرد روان‌شناختی یا شخصیت کارآفرینانه را همراه آن مطرح می‌کنند. دانشمندان معتقدند که مؤلفه‌های فرهنگی اعم از ویژگی‌های شخصیتی-رفتاری کارآفرینان و ویژگی‌های محیطی در توسعه آموزش‌های کارآفرینی مؤثر است. در این بین نبایستی نقش مهم آموزش‌های دانشگاهی را در توسعه فرهنگ کارآفرینی نادیده نگاشت.

جذب دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور در بازار کار منوط به داشتن توانایی‌ها و ویژگی‌هایی است که بخشی از آن‌ها می‌بایست در طول دوران تحصیل در دانشگاه ایجاد گردد. به نظر می‌رسد عدم تناسب بین فرآیندها و مواد آموزشی رشته‌های تحصیلی موجود در دانشگاه‌های نظری با مهارت‌ها و توانایی‌های مورد نیاز بازار کار، مهم‌ترین عامل عدم موفقیت دانش‌آموختگان در کارایی و اشتغال است. علاوه بر این مورد، برخی از عوامل بیرونی که خارج از حوزه فعالیت و کنترل نظام آموزش عالی است نیز بر کارآفرینی دانش‌آموختگان تأثیر به‌سزایی دارند. لذا این تحقیق در پی پاسخ به این سؤال است که چه عواملی منجر به پرورش و توسعه روحیه کارآفرینی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی می‌شود و آموزش‌های علمی کاربردی در کنار سایر عوامل چه تأثیری بر این موضوع دارند.

نظام آموزش علمی - کاربردی

یکی از دوره‌های آموزشی که با هدف مهارت آموزی توأم با فراگیری علوم مربوط به آن مهارت و تربیت نیروی انسانی متخصص و مورد نیاز که دانش و مهارت لازم برای انجام کارهای محوله و حل مسائل کاربردی را داشته باشند، دوره‌های علمی- کاربردی است که با هدف ایجاد ارتباط بین مقوله‌های آموزش، مهارت و اشتغال و تبدیل فراگیران به کارگران ماهر فعالیت می‌نماید (ذیگلری، ۱۳۸۴). این آموزش‌ها به عنوان نظامی در درون نظام آموزشی کشور و در تکمیل دیگر نظام‌های آموزشی موجود و به منظور شکل دادن به آموزش‌های شغلی در سطح جامعه طراحی شده است. این نظام به گونه‌ای طراحی و پیش‌بینی گردیده که دانش‌آموختگان آن کارایی لازم برای اشتغال را داشته باشند. در واقع مهمترین اولویت دانشگاه مذکور، تحقق کارآفرینی است. (شریعتی و مهاجر، ۱۳۸۵).



بر اساس تعریف نیز آموزش‌های علمی کاربردی به آموزش‌هایی اطلاق می‌گردد که موجبات ارتقای دانش افراد و ایجاد مهارت‌های لازم و به فعلیت درآوردن استعدادها و نهفته آنان و توانمندسازی افراد برای تصدی شغل، حرفه و کسب و کار را فراهم می‌آورد. دو ویژگی علمی بودن و کاربردی بودن و به عبارت دیگر تلفیق علم و عمل ضرورت برنامه‌ریزی، سازماندهی مناسب و هدایت آموزش‌ها را در مسیر بر طرف کردن خلاءهای نیروی انسانی مورد نیاز کشور در بخشهای مختلف اقتصادی ایجاد می‌نماید. هدف این دوره تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است به نحوی که دانش‌آموختگان آن برای کاری که به آنان محول می‌شود دانش و مهار لازم را کسب کنند (بستاکی، ۱۳۸۹)

عوامل تاثیرگذار بر کارآفرینی

مرور ادبیات علمی و تحقیقاتی کارآفرینی نشان می‌دهد که در روند و سیر تکاملی تعریف، بررسی و مطالعه پدیده کارآفرینی دو دیدگاه اصلی وجود دارد که عبارتند از: دیدگاه اقتصاددانان و دیدگاه غیراقتصاددانان (روانشناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم مدیریت).

کارآفرینی اولین بار مورد توجه اقتصاددانان قرار گرفت و مکاتب اقتصادی مختلف از قرن شانزدهم میلادی به بعد کارآفرینی را در نظریه‌های خود به کار گرفتند. اقتصاددانان متعددی در ارتباط با کارآفرینی و کارآفرین نظریه داده‌اند. از دیدگاه کانیلتون کارآفرین آغازگر تغییر و یا نوآور نیست بلکه از طریق انجام مبادلات مختلف و با قبول مخاطره در بازار به کسب سود و درآمد مشغول است (فیض‌بخش، ۱۳۸۲). ژان باتیست سی معتقد است کارآفرین عاملی است که تمامی ابزار تولید را ترکیب می‌کند و مسئولیت ارزش تولیدات، بازیافت کل سرمایه، ارزش دستمزدها، بهره و اجاره‌ای که می‌پردازد و نیز سود حاصل را بر عهده می‌گیرد. در نظر وی کارآفرین معمولاً سرمایه را به صورت فردی فراهم می‌کند یا اینکه آن را قرض می‌گیرد. او برای کامیاب شدن باید از ارزیابی مناسب، پشتکار و دانش پیرامون جهان و کسب و کار برخوردار بوده و از هنر مدیریت نیز بهره‌مند باشد (فیض‌بخش، ۱۳۸۲). به عقیده نایت، وظیفه اصلی کارآفرین به عنوان تولیدکننده خلاق در این است که با شرایط بالاکلیفی در دنیای واقعی به طور پویا برخورد کند. ویژگی مهم تولیدکننده خلاق این است که وی هر آنچه که در بازار وجود دارد همانند دیگران می‌بیند، اما از این توانایی برخوردار است که با قبول ریسک، شکاف و خلاء موجود در بازار را با تأمین وجوه و به کارگیری دیگر منابع تولید پر کند. اگر وی در این مهم موفق شود، سود سرشار و غیرمتعارفی خواهد برد. به عقیده نایت، خلاقیت عامل چهارم تولید بعد از سرمایه، کار و زمین است. دیگر وظایفی که یک تولیدکننده خلاق مجبور به قبول آنها می‌باشد عبارتند از نوآوری، ابداع و اختراع، مدیریت قوی، قبول ریسک، تصمیم‌گیری در زمینه میزان و طرز تولید و چگونگی ترکیب عوامل تولید، بازاریابی و کنار گذاشتن بخشی از سرمایه بنگاه در مقابل خطرات احتمالی (قره‌باغیان، ۱۳۷۲). شومپتر کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در تولید اقتصادی می‌داند و معتقد است که نقش کارآفرین عبارت است از نوآوری یا "ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد". از نظر وی داشتن دو ویژگی مهم نوآوری و خلاقیت از سوی فرد کارآفرین همراه با گرایش و تمایل فرد به پاسخ دادن به تغییرات اقتصادی باعث می‌گردد تا فرد کارآفرین از طریق گشایش یک بازار تازه یا شعبه تازه با روش تازه و نو و یا تولید یک محصول یا خدمت جدید، ساختارهای موجود بازار را بر هم بزند و یک ساختار جدید ایجاد نماید (فیض‌بخش، ۱۳۸۲). ویلکن (۱۹۹۲) معتقد است که کارآفرین به عنوان یک تسریع‌کننده جرقه رشد و توسعه اقتصادی است. او وجود چهار پارامتر مختلف را جهت شکوفایی کارآفرینی ضروری می‌داند: عوامل اقتصادی شامل مزیت‌های بازار و فراهم بودن سرمایه؛ عوامل غیراقتصادی شامل عوامل فرهنگی، تحرکات اجتماعی، امنیت و عواملی همچون طبقه اجتماعی، قدرت و کنترل؛ عوامل روان‌شناختی شامل نیاز به توفیق، انگیزه‌ها و مخاطره‌پذیری و ترکیب مناسبی از عوامل تولید (مارتین و سام، ۱۹۹۲).

در ارتباط با دیدگاه غیر اقتصاددانان سه گروه روانشناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم مدیریت به چشم می‌خورند. در دیدگاه غیراقتصاددانان دو رویکرد عمده مشاهده می‌گردد. رویکردی که تأکید بر مطالعه ویژگی‌های روانی-شخصیتی کارآفرینان دارد و رویکرد ویژگی‌ها نام دارد و رویکردی که متغیرهای جامعه‌شناختی و محیطی را مورد تأکید قرار می‌دهد و رویکرد اجتماعی-



فرهنگی نامیده می شود. هسته مرکزی رویکرد ویژگی ها یا شخصیتی، روانشناسان هستند. در دهه ۱۹۶۰ روانشناسان با مطالعه و بررسی ویژگی های فردی و شخصیتی کارآفرینان و از طریق تفاوت قائل شدن بین کارآفرینان، غیر کارآفرینان و مدیران تلاش کردند تا به یک مدل کارآفرینی جامع دست یابند.

شاید هیچ جنبه ای از کارآفرینی بیش از خصوصیات و ویژگی های فردی کارآفرین مورد مطالعه قرار نگرفته باشد. عواملی مانند گرایش به ریسک پذیری، نیاز به توفیق، نیاز به استقلال، تمایل به کار بیش از حد و تمایل به تفویض اختیار به دیگران به وسیله پژوهشگران بسیاری مورد مطالعه قرار گرفته است. به هر حال مهمترین ویژگی های شخصیتی و روانشناختی کارآفرینان عبارتند از:

الف) تمایل به مخاطره پذیری (ریسک پذیری)

عقیده مشهوری بیان می دارد که کارآفرین عاشق ریسک است. کارآفرین ریسک کنندگان میانه رو یا حساب شده هستند. کارآفرینان به جای آنکه جویندگان ریسک باشند پذیرندگان ریسک هستند. ضرورتاً آنها به دنبال کارهای پرریسک نمی روند، اما علاقه مند هستند تا برای آغاز یک فعالیت اقتصادی معمولی به مقدار متعادلی ریسک کنند (حیدری ساربان و دهقانپور، ۱۳۸۱ و ۱۳۹۱).

ب) استقلال و کانون کنترل داخلی

کارآفرینان افراد مستقل و استواری بوده و نیاز شدیدی به کنترل داشتن امور دارند. کارآفرینان تمایل دارند تا نیاز شدیدی به استقلال داشته باشند و نیز تمایل دارند تا استقلال متناسبی داشته باشند و می خواهند تصمیماتشان را خود بگیرند. کارآفرینان نیاز دارند که رهبر باشند تا پیرو. آنها احساس می کنند که می توانند بیشتر کارها را بهتر از افرادی که در اطراف آنها هستند، انجام بدهند. استقلال آن چیزی است که روانشناسان آن را کانون کنترل درونی می گویند. کانون کنترل درونی احساسی است که افراد شخصاً کنترل سرنوشتشان را بر عهده می گیرند. آنها معتقدند که موفقیت یا شکستشان نتیجه اقدامات خودشان است نه سرنوشت و معتقدند که موفقیت یا شکست فعالیت اقتصادی شان به تلاش و کوشش آنها بستگی دارد تا شانس و بخت و اقبال.

ج) نیاز به توفیق

دیوید مک کلهلند بیان می کند که نیاز به موفقیت ویژگی اساسی توسعه اقتصادی در میان ملت ها است و مهم تر از آن این واقعیت است که نیاز به توفیق یکی از ابعاد اساسی شخصیت کارآفرینانه است. علت ترک شغل افرادی که در کار خود ماهر بوده و حقوق و دستمزد خوبی نیز دریافت می دارند، نیاز به توفیق به همراه نیاز با استقلال است که حتی حاضر می شوند تمام دارایی خود را برای شروع یک کار جدید به خطر بیاندازند. شخص کارآفرین هدف گرا است، هدف اساسی برای موفق شدن ممکن است سود یا ثروت باشد؛ اما هدف اساسی او ممکن است سازمان، بازاریابی محصولی جدید یا ارائه خدمتی موفقیت آمیز باشد. نیاز به کسب موفقیت گاهی با نیاز به کسب قدرت اشتباه گرفته می شود. کارآفرینان تشنه قدرت نیستند، اما هر آنچه لازم باشد انجام می دهند تا به آنچه می خواهند، برسند.

د) تحمل ابهام

تحمل ابهام و پذیرش عدم اطمینان به عنوان بخش عادی از زندگی است. تحمل ابهام توانایی زندگی کردن با نداشتن اطلاعات کافی از محیط است. تمایل به آغاز یک فعالیت اقتصادی بدون آگاهی از این که موفق خواهد شد یا نه، رقیباً چگونه واکنش نشان می دهند، یا دقیقاً چه منابعی ممکن است مورد نیاز باشد، بیان کننده تحمل ابهام است. هر چند بعضی از کارآفرینان ممکن است وانمود کنند که بیش از حد ساختار یافته عمل می کنند ولی به عنوان یک قانون کلی به طور نسبی تحمل آنان در برابر شرایط عدم اطمینان زیاد است و علاقمندند تا با آگاهی نداشتن از اطلاعات کامل به کار خود ادامه دهند. کارآفرینان تمایل دارند تا نسبت به مدیران در بنگاه های تجاری شکیبایی بیشتری در مقابل ابهام داشته باشند. مدیران تمایل دارند تا با اطلاعات کامل که برای شرایط اطمینان است، محیط را ساختار یافته تر بخوانند. اما آنها چنین شانس ندارند، حتی اگر برای آن احساس نیاز کنند. زیرا موفقیت آغاز فعالیت اقتصادی ضرورتاً بدون تمام پاسخ ها است. از این رو تحمل ابهام برای کارآفرینان سودمند و لازم است (فری، ۱۹۹۳).



ه) جدیت در حل مشکلات

کارآفرینان همواره سعی می کنند مشکلات را از سر راه بردارند. آنها هیچ گاه بی هدف نیستند و در عین حال در برابر مشکلات و موانعی که در برابرشان قرار می گیرد، بی پروا عمل نمی کنند. اگر کاری بسیار ساده و پیش پا افتاده یا بسیار مشکل و غیر قابل حل باشد، کارآفرین خیلی سریع تر از دیگران متوجه آن می شود و آن را رها می کند. مسائل ساده او را خسته می کند و در مقابل با وجودی که تلاش، انرژی و اصرار زیادی در حل مشکلات دارد ولی واقع بین نیز است و درگیر کارهایی می شود که از عهده آن برآید.

و) خلاقیت و نوآوری

خلاقیت توانایی گسترش ایده های جدید و کشف راه های جدید در نگاه به مسائل، مشکلات و فرصت هاست. خلاقیت بیشتر قرار دادن چیزهای قدیمی در کنار یکدیگر با راه های جدید و یا حذف زوائد برای خلق چیزی ساده تر و بهتر است. نوآوری توانایی کاربرد راه حل های خلاق برای مسائل، مشکلات و فرصت هاست. کارآفرینی نتیجه فرایند سیستماتیک و منظمی است که خلاقیت و نوآوری را به نیازمندی ها و فرصت ها در بازار پیوند می دهد یا به عبارتی با به کارگیری استراتژی های متمرکز برای یک ایده جدید سعی می کند که یک محصول یا یک سری خدمات را خلق کند که هدفی جز رضایت مشتریان ندارد و در نهایت به سوددهی می رسد (فیض بخش و حیدری ۱۳۸۴ و ۱۳۹۱).

ز) خوش بینی

کارآفرین اغلب با مشکلاتی روبرو می شود و ممکن است در توانایی خود دچار تزلزل گردد، ولی در طول این دوره آنان با اعتمادی که به خود دارند سعی در حل این مشکل می نمایند. این حس باعث می شود که دیگران نسبت به خلاقیت و نوآوری خوش بین باشند و حس اطمینان در گروه پدید آید (فیض بخش و دهقانپور و ۱۳۸۴، ۱۳۸۱).

بررسی رویکرد روانشناسانه کارآفرینی نمایان می سازد که تأکید بیش از حد بر ویژگی های فردی و شخصیتی کارآفرینان توانسته است مقوله پیچیده کارآفرینی را به خوبی تبیین نماید؛ زیرا همانگونه که ذکر گردید، کارآفرینی علاوه بر تأثیر خصایص فردی و شخصیتی تحت تأثیر عوامل و متغیرهای دیگری است که دارای ماهیت اجتماعی- فرهنگی می باشد. مطالعات مختلف نشان داد که صرفاً از طریق مطالعه چند ویژگی فردی و روانی نمی توان تحلیل درستی از پدیده کارآفرینی ارائه داد. به دنبال این عدم توفیق و از اوایل دهه ۱۹۶۰، توجه جامعه شناسان و روانشناسان به دسته ای دیگر از متغیرهای اثرگذار بر پدیده کارآفرینی معطوف گردید که منجر به شکل گیری نظریات اجتماعی- فرهنگی و یا نظریه شبکه اجتماعی در جهت کارآفرینی شد. در سالهای بعد و از ابتدای دهه ۱۹۷۰ دانشمندان علم مدیریت نیز به این دسته اضافه شدند و منجر به شکل گیری رویکرد جدیدی در مطالعات کارآفرینی گردید که از آن با عنوان رویکرد اجتماعی- فرهنگی نام برده می شود.

در رویکرد اجتماعی- فرهنگی که در دهه ۱۹۸۰ مطرح گردید، کارآفرینی به صورت یک فرایند پویا مورد توجه قرار می گیرد که عوامل متعددی اعم از فردی و شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تکنولوژیکی و سازمانی بر آن تأثیر می گذارند. این رویکرد در پی پاسخ به این سؤال است که اصولاً گذشته از خصوصیات شخصیتی و پیشینه فرهنگی- اجتماعی افراد، چه عواملی باعث می شود که بعضی افراد در راه اندازی و نگهداری کسب و کارهای جدید نسبت به دیگران موفق تر باشند؟ جامعه شناسان، انسان شناس ها و تئوری پردازان سازمان ها که از این رویکرد استفاده می کنند معتقدند که رفتار شخص مشروط به ماهیت و ساختار روابط اجتماعی است که منابع را در دسترس او قرار داده و یا از او حمایت می کند. علاوه بر ویژگی های شخصیتی، مهمترین عواملی که در چهارچوب این رویکرد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته اند به شرح زیر می باشد:

الف) محیط خانوادگی

تحقیقات در مورد محیط خانوادگی افراد کارآفرین، از جمله تحقیقاتی است که نسبت به سایر حوزه ها به جواب های قطعی تری رسیده است. در این رابطه چند عامل مهم شناسایی شده است:



➤ نقش والدین کارآفرین: خانواده، به خصوص پدر و مادر نقش مهمی در ایجاد یک تصویر باورکردنی و عمومی از کارآفرینی در ذهن فرزندان خود دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که اکثر کارآفرینان دارای پدرهای خوداشتغال هستند. چنین پدرانی اغلب الگوی فرزندان خود قرار گرفته و ویژگی‌های کارآفرینانه از قبیل استقلال، اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری را مستقیم یا غیرمستقیم به آنها می‌آموزند. تحقیقات نشان می‌دهد که این تأثیرات با حضور یک مادر کارآفرین بسیار تشدید شده است.

➤ نوبت تولد: در کالج بابسون بیش از نیمی از دانشجویانی که درس کارآفرینی می‌خوانند، خانواده‌های خوداشتغال دارند. نکته جالب دیگر این است که به نظر می‌رسد احتمال کارآفرین شدن برای فرزندان اول خانواده بیش از سایر فرزندان است. مثلاً در یک تحقیق ملی که توسط هیستریچ و براش بر روی ۴۰۸ زن کارآفرین انجام گرفت آمار ۵۰ درصد برای فرزند اول به دست آمده است.

➤ جایگاه اجتماعی خانواده: تحقیقات نشان می‌دهد که بسیاری از زنان کارآفرین در خانواده‌هایی پرورش می‌یابند که جایگاه اجتماعی متوسط یا بالا دارند. متخصصان علت این امر را فرهنگ فرزندمحوری در این خانواده‌ها می‌دانند (فیض‌بخش، ۱۳۸۲).

(ب) مشکلات و بحران‌های کودکی

تحقیقات متعددی نشان داده‌اند که بسیاری از کارآفرینان از قشر متوسط به پایین جامعه برمی‌خیزند، کسانی که به نوعی در کودکی دچار فقر و عدم تأمین اقتصادی بوده‌اند (فیض‌بخش و پورداریانی و مقیمی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸).

(ج) تحصیلات

تحقیقات زیادی نشان می‌دهد که تحصیلات رابطه مستقیم با گرایش به کارآفرینی دارد. اوانس و لیتون در تحقیقی در سال ۱۹۸۷ به این نتیجه رسیدند که تحصیلات با گرایش به کارآفرینی رابطه مثبت ضعیفی در مردان و رابطه قوی‌تری در زنان دارد. همچنین تحقیق رینولدز در سال ۱۹۹۱ نشان داد که افراد تحصیل کرده در مقایسه با افراد تحصیل نکرده علاقه و میل بیشتری به ایجاد کسب و کار جدید دارند. نکته قابل توجه دیگر این است که نرخ کارآفرینی در مناطق جغرافیایی که دارای دانشگاه‌ها و مراکز علمی زیاد است، بالاتر از سایر نقاط است. (فیض‌بخش، ۱۳۸۲). کارل و سپر (۱۹۸۲) نشان داد کارآفرینانی که احتمال شکستشان بیشتر است، کسانی هستند که تجربه دارند اما تحصیلات ندارند. دومین گروه از کارآفرینان که احتمال شکست آنها حتی بیشتر از گروه اول است، آنهایی‌اند که آموزش دیده‌اند اما تجربه کافی ندارند. کارآفرینانی که هم آموزش دیده‌اند و هم تجربه کافی دارند موفق‌ترین کارآفرینان قلمداد می‌گردند.

(د) مهارت‌ها

کارآفرینان، مستقل از حوزه فعالیت خود نیازمند بعضی توانایی‌ها و مهارت‌ها هستند. کسب این مهارت‌ها احتمال موفقیت آنها را در فعالیت کارآفرینانه بیشتر می‌کند. این مهارت‌ها به سه دسته عمده تقسیم می‌شوند:

- مهارت‌های شخصی کارآفرینان که نوعاً همان ویژگی‌های کارآفرین‌ها است.
- مهارت‌های فنی شامل نوشتن، ارتباطات شفاهی، بازرگری محیط، مدیریت کسب و کار فنی، فن‌آوری، گوش دادن، توانایی سازمان‌دهی، تشکیل شبکه‌های اجتماعی، سبک مدیریت، مربی‌گری و کار تیمی.
- مهارت‌های مدیریت کسب و کار شامل برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری، تصمیم‌گیری، روابط انسانی، بازاریابی، امور مالی، حسابداری، مدیریت منابع انسانی، کنترل و مهارت‌های مذاکره.

(ه) سن

مطالعات متعددی که پیرامون کارآفرینی انجام گرفته است نشان می‌دهد که میانگین سن افراد خوداشتغال از میانگین سن افراد حقوق‌بگیر بیشتر است (آرونسن، ۱۹۹۱). اغلب شغل کارآفرینانه افراد کارآفرین، اولین شغل آنها نیست چرا که راه‌اندازی یک کسب و کار جدید نیاز به مهارت‌ها و توانایی‌ها (سرمایه‌های انسانی) و پس‌انداز و پول (سرمایه‌های مادی) دارد که در میان جوانان کمتر



مشاهده می‌گردد. اوانس و فیلیپس در سال ۱۹۸۶ در تحقیقی نشان دادند که سن با گرایش به خوداشتغالی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. تحقیقات مختلفی که در سال‌های مختلف انجام شده نشان می‌دهد که اغلب کارآفرینان بین سنین ۲۵ الی ۴۴ سال فعالیت کارآفرینانه خود را آغاز می‌کنند. شاید از این جهت که هم کمینه‌ای از مهارت‌ها، دانش و تجربه‌ای را که برای کار لازم دارند به دست آورده‌اند و هم فشار کاری و اقتصادی که در این سن اغلب مردم با آن مواجهه شده‌اند، به آنها جسارت قبول مخاطرات شکست را می‌دهد. عمده کارآفرینان مرد در اوایل ۳۰ تا ۴۰ سالگی و کارآفرینان زن در اواسط ۳۰ تا ۴۰ سالگی فعالیت خود را شروع می‌کنند (فیض‌بخش و پورداریانی و مقیمی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸).

(ز) مذهب

ویر در کتاب خود تحت عنوان اخلاق پروتستانی به نقش اعتقادات مذهبی در این خصوص تأکید می‌نماید. وی معتقد است بدعت پروتستانی‌ها در اصول فکری مسیحیان به خصوص کوشش برای بهبود معاش و اخلاق کار نقش اصلی را در توسعه نظام سرمایه‌داری بازی کرده است و موجب شده است این قشر از مسیحیان پیش‌گامان نظام سرمایه‌داری قرار گیرند. ویر معتقد است که تأکید اخلاق پروتستانی بر پابندی به وظیفه، مراقبت در معاش و تلاش در پس‌انداز، احتیاط و جدیت موجب تشویق کارآفرین می‌شود چرا که سرمایه‌داری و نیز خوداشتغالی را تشویق می‌کند. تحقیقات متعدد درباره کارآفرینی نشان داده است که پروتستان‌ها در مقایسه با غیرپروتستان‌ها بیشتر خوداشتغال هستند. از این تحقیقات و موارد مشابه می‌توان نتیجه گرفت که تغییرات در عقاید مذهبی می‌تواند در نرخ کارآفرینی مؤثر باشد

(ح) سابقه شغلی

تجربیات و سوابق شغلی از دو رویکرد در کارآفرینی نقش بازی می‌کنند. اول اینکه آمار نشان می‌دهد یکی از مهمترین عوامل گرایش به خوداشتغالی نارضایتی از کار قبلی و حوادث ناگوار کاری مثل اخراج و بازخریدو .. است. دوم اینکه سوابق کاری گذشته، به ویژه تجربیات در زمینه‌های امور مالی، تولید، توسعه کانال‌های توزیع، بازاریابی و اموری از این دست، در طی کردن مسیر سخت تأسیس و اداره کسب و کار جدید بسیار راه‌گشا است. تحقیقات متعدد حاکی از این مطلب است که زمینه کاری درصد بالایی از کارآفرینان، بسیار نزدیک یا مرتبط با شغل قبلی آنها بوده است

(ط) انگیزش

بسیاری از افراد هم تمایل به کارآفرینی دارند و هم از تجربیات، مهارت‌ها و منابع لازم برای این کار برخوردارند. اما در عمل تعداد خیلی کمی از آنها مخاطره پایان دادن به روند جاری شغلی و شروع کردن یک کار شخصی را می‌پذیرند. انگیزه‌های افراد در اقدام عملی به کارآفرینی بسیار متنوع است؛ ولی آنچه که از همه مهمتر به نظر می‌رسد همان نیاز به استقلال است. سایر انگیزه‌ها می‌تواند کسب درآمد، کسب موقعیت اجتماعی، رضایت شغلی، فرصت پیشرفت و شانس کنترل سرنوشت باشد. البته اولویت این انگیزه‌ها در مردان و زنان کارآفرین کمی متفاوت است. گذشته از انگیزه‌های اولیه، اغلب حوادث مختلفی نیز در عملی شدن کارآفرینی نقش بازی می‌کنند. حوادث ناگوار مثل عدم رضایت شغلی، اخراج، بازخرید، ورشکستگی و حوادث مساعد مثل پیشنهاد شراکت، مواجهه با الگوهای نقش و.. در تصمیم‌گیری افراد برای شروع به فعالیت کارآفرینانه مؤثر هستند (فیض‌بخش، ۱۳۸۲).

(ی) الگوی نقش

یکی از مهمترین عواملی که افراد را در انتخاب یک شغل کارآفرینانه ترغیب و تحریک می‌کند وجود الگوهای نقش است. آنها کسانی هستند که انتخاب و نوع زندگی کارآفرین را تحت تأثیر قرار می‌دهند. الگوها غالباً خود کارآفرینانی هستند که فرهنگ کارآفرینی را به جامعه سرایت می‌دهند. الگوهای نقش ممکن است والدین، خواهر و برادر، بستگان و یا کارآفرینان دیگر باشند که در به فعلیت رساندن کارآفرینان بالقوه نقش کاتالیزور را بازی می‌کنند. همچنین الگوها ممکن است در طی و یا بعد از پایه‌گذاری فعالیت کارآفرینانه به عنوان معلم و مشاور عمل کرده و نقش پشتیبان داشته باشند (فیض‌بخش و پورداریانی و مقیمی ۱۳۸۲ و ۱۳۸۸).

(ک) شبکه‌های پشتیبانی



کارآفرین در هر مرحله از فعالیت کارآفرینانه اش احتیاج به یک نظام مشاوره‌ای و پشتیبانی قوی دارد. به خصوص در مراحل اولیه کار برای تأمین اطلاعات و مشاوره در مسائلی مثل ساختار سازمانی، تأمین منابع مالی، بازاریابی و انتخاب بازار هدف و شبکه پشتیبانی نقش مؤثری دارد. این عامل خود در دو گروه عمده قرار می‌گیرد:

- شبکه‌های پشتیبانی روانی: آنها افرادی هستند که پشتیبان روانی کارآفرین محسوب می‌شوند. هر کارآفرین نیاز دارد تا شبکه پشتیبانی روانی متشکل از اعضای خانواده و دوستان برای خود فراهم کند تا در طی دوران سخت و طاقت‌فرسای که در طول دوره اتفاق می‌افتد، روحیه او را تقویت کنند و به تشویق و یاری او بپردازند.

- شبکه‌های پشتیبانی تخصصی: علاوه بر تشویق‌های روحیه‌ای، کارآفرین به توصیه و مشورت خبرگان هم نیاز دارد. شبکه پشتیبانی تخصصی ممکن است یک استاد راهنما، مؤسسات تجاری و یا آشنایان تخصصی باشند. فردی که به عنوان استاد انتخاب می‌شود باید در زمینه مورد نظر متخصص باشد و کارآفرین بتواند مشکلات و موفقیت‌هایش را با او تقسیم کند. یک شبکه از همکاران تجاری شامل افرادی است که تجارت مستقل داشته و شروع یک فعالیت تجاری را تجربه کرده‌اند یا مشتریان و خریداران، مشاوران، وکیلان، حسابداران و عرضه‌کنندگان کالا باشند. نقش مشتریان در این میان بسیار اساسی است. آنها بهترین منبع تبلیغات شفاهی هستند. عرضه‌کنندگان کالا و خدمات نیز بخش مهمی از شبکه هستند و امکان اعطای اعتبار را فراهم می‌کنند. آنها همچنین می‌توانند اطلاعات خوبی در مورد روند طبیعی صنعت و نیز رقابت‌های موجود ارائه دهند. آشنایان شخصی کارآفرین نیز می‌توانند بخش ارزشمندی از یک شبکه پشتیبانی تخصصی باشند. آشنایانی که در زمینه تفریحات، رخدادهای ورزشی، باشگاه‌ها، فعالیت‌های اجتماعی و گروه‌های هم‌شاگردی با فرد ارتباط پیدا می‌کنند منابع بالقوه برای رجوع، توصیه و یا اطلاعات می‌باشند. هر کارآفرین باید هر دو شبکه را برای خود ایجاد کند. این افراد رابط برای کارآفرین قوت قلب، حمایت، توصیه و اطلاعات را به همراه می‌آورند (فیض‌بخش، ۱۳۸۲)

تحقیقات انجام شده در زمینه عوامل مؤثر برای موفقیت کسب و کارها نشان می‌دهند که یکی از عوامل شکست کسب و کارهای کوچک عوامل درونی است. یکی دیگر از روش‌های مورد استفاده برای بررسی ویژگی‌های کارآفرینان بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی است. در این رویکرد فرض می‌شود که افراد دارای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی یکسان، خصوصیات شخصیتی مشابهی دارند که می‌تواند احتمال موفقیت کسب و کار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در تحقیقات مبتنی بر این رویکرد گروهی از کارآفرینان موفق و شکست خورده با هدف تعیین خصوصیات جمعیت‌شناختی که بین کارآفرینان متداول است، مورد بررسی قرار می‌گیرند. (Robinson et al, 1991).

رویکرد ویژگی‌های شخصیتی به بررسی و اندازه‌گیری ویژگی‌های شخصیتی یا تمایلات انگیزشی کارآفرینان موفق می‌پردازد. این رویکرد به طور گسترده‌ای در بررسی کارآفرینی افراد مورد استفاده قرار گرفته است. (McClelland, 1987) و (Hunt & Adams, 1994) نمونه‌هایی از کاربرد این روش برای بررسی موفقیت کارآفرینان هستند.

رویکرد دیگر، بررسی متغیرها عملکردی هستند که بر موفقیت کارآفرینان تأثیر می‌گذارند. بر خلاف رویکردهای پیشین که کمک چندانی به کارآفرین نمی‌کردند نتایج حاصل از تحقیقات این چینی می‌تواند به کارآفرین در جهت شناسایی عوامل بحرانی کسب و کار کمک کرده و وی را در جهت ایجاد یک سیستم کنترل پیش‌نگر یاری کند.

پری (۲۰۰۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تأثیر اغلب فاکتورهای مؤثر بر موفقیت کسب و کار علاوه بر وابستگی به متغیرهای موقعیتی در مراحل مختلف کسب و کار نیز متفاوت است (Perry, 2001). کاتن (۲۰۰۰) به این نتیجه رسید که تجربه صنعت در دوره راه‌اندازی دارای تأثیر بسیار بیشتری بر موفقیت کسب و کار است تا در دوره‌های دیگر (Kauten, 2000). پری (۲۰۰۱) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که تأثیر نوشتن طرح تجاری برای کسب و کارهای با نیروی انسانی خیلی کم، زیاد مؤثر نیست (Perry, 2001).



از جمله عواملی که از تجارب فرد ناشی می شود، می توان به همنشینی با افرادی اشاره کرد که می توانند تاثیر بسزایی در تصمیم فرد به کار آفرین شدن داشته باشند. که به این عامل الگوی نقش گفته می شود. (احمد پور، ۱۳۷۸). خانواده و دوستان نیز به عنوان الگوهای نقش برای کار آفرین شدن موثر می باشند بطوریکه تاثیر زمینه‌های خانوادگی و نقش پدر و مادر بر روی کارآفرینان به طور اخص مهم می‌باشند. کارآفرینانی که خانواده‌شان کار آفرین بودند، کار آفرینی‌شان با کار آفرینی خانواده‌شان رابطه مستقیم دارد. اینگونه رفتار و مشخصه والدین تاثیر مثبتی ایجاد می نماید و منبع الهامی را برای کودکان به وجود می‌آورد. (بنت و دان، ۲۰۰۰)

خانواده و به خصوص پدر و مادر نقش مهمی در ایجاد یک تصور باور نکردنی و عمومی از کارآفرینی در ذهن فرزندان خود دارند. تحقیقات نشان می‌دهد که اغلب کار آفرینان دارای پدرهای خود اشتغال هستند. چنین پدرانی اغلب الگوی فرزندان خود قرار گرفته و ویژگی‌های کارآفرینانه از قبیل استقلال، اعتماد به نفس و انعطاف‌پذیری را مستقیم و غیر مستقیم به آنها می‌آموزند. تحقیقات نشان می‌دهد که این تاثیرات با حضور یک مادر کارآفرین بسیار تشدید شده است. (هیسریچ، ۱۹۹۸)

بروکهاوس و نورد (۱۹۸۰) در مطالعات خود دریافتند که اکثر پدران کار آفرینان موفق، در صناعی با فن‌آوری بالا، مالک و مدیر بودند. حداقل ۴۰ درصد کار آفرینان در خانواده‌های خود، تجربیات کار آفرینی را مشاهده نموده‌اند (فرای، ۱۹۹۳).

شواهد در مطالعات استرالیا بیان کننده آن است که زمینه‌های خانوادگی و موفقیت فردی نقش مهمی در کار آفرینی ایفا می‌کند. اسپچیر و همکاران وی در سال (۱۹۸۹) در تحقیقات خود دریافتند که وجود یک والد در نقش مدیریتی با راندمان یادگیری مرتبط می باشد. مشابه این تحقیق در کانادا نشان داد که ۳۳ درصد کارآفرینان زن در این مطالعه مانند پدران‌شان کار آفرین شده‌اند (لرنر، هیسریچ، براش، ۱۹۹۷). هیسریچ (۱۹۹۸) در تحقیقات خود دریافت که احتمال کارآفرین شدن برای فرزندان اول یک خانواده بیشتر از سایر بچه‌هاست. در یک تحقیق ملی که توسط هیسریچ و براش بر روی ۴۸ زن کارآفرین انجام گرفت، ۵۰ درصد آمار کارآفرینی برای فرزندان اول بدست آمد.

اولین فرزند دختر خانواده بیشتر تمایل دارد تا کار آفرین شود. این دختران عموماً پدر و مادر خود را به عنوان الگو قرار می‌دهند. خصوصاً مادران مانند پدران، الگوی فرزندان قرار می‌گیرند. مطالعات در امریکا هم نشان داده است که تمایل به کار آفرین شدن در زنان، در اولین فرزند خانواده بیشتر است (بنت و دان، ۲۰۰۰).

کوارتکو و همکاران (۱۹۹۳) ایجاد یک کسب و کار کارآفرینانه را نتیجه عوامل سازمانی، ویژگی‌های فردی و فراهم بودن بعضی از تسریع کننده‌ها دانسته‌اند (Kuratko & Hodgetts, 2001). نتایج تحقیق دهلین و مالوترا (۱۹۹۳) روی کارآفرینان نشان داد که آنان خواستار آزادی عمل و کسب درآمد بوده، در دستیابی به خواسته‌های خود اصرار می‌ورزند و عموماً ریسک‌پذیر هستند. ارتویی (۱۹۹۳) در پژوهشی در باره کارآفرینان به این نتیجه رسیده است که آنان در فعالیت‌های شغلی و نرخ ریسک‌پذیری در حد متوسط قرار داشتند و بیشتر از کسب سود به موفقیت خود اهمیت می‌دهند.

براش (۱۹۹۲) در پژوهشی درباره کارآفرینان نشان داد که بیشتر آنان از طریق عدم رضایت از کار قبلی‌شان برای کارآفرین شدن برانگیخته می‌شوند. بروکهاوس و هرویتس (۱۹۸۶) در پژوهشی در باره کارآفرینان به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه‌های همانند توفیق طلبی و استقلال طلبی در ایجاد کسب و کار آنان بسیار موثر است.

نتایج تحقیق هیسریچ و پیترز (۱۹۸۹) در باره کارآفرینان نشان داد که مهم ترین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان، توفیق طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت و انعطاف پذیری بوده است. هیسریچ و براش (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهایی همانند تجربه قبلی، تحصیلات، مشارکت در کسب و کار، مهارت‌های مدیریتی و سن، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی در دوران زندگی، تاثیر قابل توجهی بر موفقیت کارآفرین دارد.

دجیور (۲۰۰۶) در پژوهشی درباره کارآفرینان به این نتیجه رسیده است که آنان دارای مهارت‌های ارتباطی، قدرت تشخیص مسائل و سبک مدیریتی مشارکتی هستند. در سال ۱۹۹۵ تانگ و یو و تری گیلیا و بانگاناسکو در سال ۱۹۹۰ در مطالعات خود به این نتیجه رسیدند که رویه‌ها و سیاستهای دولت، شرایط اجتماعی اقتصادی، حمایت‌های مالی برای ایجاد کسب و کار بر کارآفرینی



موثر می‌باشند. سیموز در مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۸ نتیجه گرفت که حمایت‌های مالی برای ایجاد کسب و کار بر کارآفرینی در کشور پرتقال موثر است. تیجی و ویکری در مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۸ توسعه کارآفرینی را متأثر از رویه‌ها و سیاست‌های دولت و شرایط اجتماعی اقتصادی دانستند. تروو و نیتی کانگاس در سال ۱۹۹۴ در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که شرایط اجتماعی اقتصادی و مهارت‌های کارآفرینی بر کارآفرینی موثر است.

در تحقیقی که بوسیله سوزان (۱۹۹۸) در آمریکا انجام گرفته است مشخص گردید که مهمترین انگیزه کارآفرینان مورد مطالعه برای شروع کار جدید، نیاز به پیشرفت و نیاز به احساس رضایت از کار بوده است (Suzanne, 1998). هیسریچ (۱۹۸۴) به نقل از نتایج تحقیقات کومیک آورده است که اکثر کارآفرینان مورد مطالعه انگیزه چندانی برای کسب درآمد نداشتند، بلکه علاقمند بودند که کیفیت محصول خود را به عنوان یک امتیاز رقابتی افزایش دهند.

یافته‌های تحقیق بدری و همکاران در خصوص قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان داد که قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان در زمینه استقلال طلبی، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین بود (بدوری و همکاران، ۱۳۸۵). یافته‌های تحقیق آقاجانی و همکاران در خصوص مدل علی تغییرات اثرات ویژگی‌های شخصی بر کارآفرینی نشان داد که کنترل درونی، تحمل ابهام، استقلال در کار، نیاز به پیشرفت، انگیزه و مخاطه پذیری بر کارآفرینی کارآفرینان استان مازندران موثر است (آقاجانی و همکاران، ۱۳۸۹).

نتیجه اینکه کارآفرینی از دیدگاه‌های مختلف دارای مفاهیم متفاوتی است. برای برخی آن به معنای یک نوآوری، برای برخی به معنای ریسک نمودن و از نظر جمعی دیگر نیز یک نیروی ثبات دهنده بازار و برای برخی به معنای مالکیت و مدیریت یک فعالیت کوچک اقتصادی است. کارآفرینی به هر مفهومی که بکار رود بایستی برپایه خلاقیت و عملی نمودن نوآوری‌های ناشی از آن در فعالیت‌های خدماتی، تولیدی و تجاری باشد که این خود با مخاطه همراه است. برای راه‌اندازی و توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه ویژگی‌های متنوعی همچون آینده نگری، خلاقیت، هدایت و رهبری، ریسک پذیری، خودباوری و میل به نتیجه در نظر گرفته می‌شود. از سوی دیگر ویژگی‌های پیرامونی همچون شرایط خانوادگی و ویژگی‌های محیطی و اجتماعی نیز بر این امر تأثیرگذار می‌باشد. بر این اساس این تحقیق به بررسی عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار بر پرورش روحیه کارآفرینانه افراد متمرکز می‌باشد.

سؤالات تحقیق

- دانش آموختگان کارآفرین دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی دارای چه ویژگی‌های فردی، اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی می‌باشند؟
- چه عواملی بر فعالیت‌های کارآفرینانه دانش آموختگان کارآفرین دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی موثر می‌باشد؟

هدف تحقیق

هدف کلی:

بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی دانش آموختگان آموزش‌های علمی کاربردی در رشته‌های کشاورزی
اهداف فرعی:

- شناسایی دانش آموختگان کارآفرین دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی
- بررسی ویژگی‌های دانش آموختگان کارآفرین دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی
- تعیین عوامل موثر (پیش برنده و بازدارنده) بر فعالیت‌های کارآفرینانه دانش آموختگان کارآفرین

روش‌شناسی



از نظر ماهیت تحقیق، این تحقیق از نوع کاربردی است زیرا منجر به توسعه کاربرد عملی برخی دیدگاهها در خصوص کارآفرینی و عوامل موثر بر کارآفرینی می‌شود. همچنین این تحقیق از نوع توصیفی است از آن جهت که به توصیف ویژگیهای دانش آموختگان کارآفرین و عوامل موثر بر آن همانگونه که هستند می‌پردازد. همچنین از حیث امکان کنترل متغیرها، به دلیل عدم امکان چنین امری از نوع توصیفی بوده و بر حسب زمان وقوع، این تحقیق از نوع تحقیقات پس رویدادی است. این تحقیق از نوع مطالعات کمی است و از لحاظ روش‌شناسی یک نوع پیمایش است.

جامعه آماری این تحقیق شامل دانش آموختگان کارآفرین مراکز آموزش جهاد کشاورزی می‌باشند. دانش‌آموخته کارآفرین فردی است که از مراکز آموزش جهاد کشاورزی فارغ‌التحصیل شده باشد و یک واحد تولیدی، خدماتی یا تجاری کشاورزی را با خلاقیت فردی و ارائه و عملی نمودن نوآوری‌های شخصی راه‌اندازی و اداره نماید. با توجه به تعداد دانش‌آموختگان کارآفرین طبق این تعریف، نمونه‌گیری به صورت در دسترس بود. جهت شناسایی دانش آموختگان کارآفرین از مراکز مجری دوره‌های علمی کاربردی خواسته شد تا مشخصات فارغ‌التحصیلان کارآفرین خود را استخراج و ارائه نمایند که در مجموع از ۷ مرکز آموزشی در دسترس، مشخصات تعداد ۱۰۵ دانش‌آموخته در دسترس گردآوری و پس از ارسال پرسشنامه و دو بار پی‌گیری تلفنی تعداد ۷۵ پاسخنامه دریافت شد. مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای و تکمیل پرسشنامه از جمله روشهای گردآوری اطلاعات در این تحقیق بود.

برای دستیابی به روایی محتوایی ابزار تحقیق، پس از تعیین شاخص‌های کار آفرینی دانش آموختگان کارآفرینی و عوامل شغلی، روانشناختی، جمعیت‌شناسی و محیطی بر اساس مطالعه منابع، پرسشنامه در اختیار گروه کارشناسی متشکل از پژوهشگران و کارشناسان امر قرار گرفت و ضمن تغییر و اصلاح شاخصها و سؤالات، روایی محتوایی آن تعیین و از طریق نظرات کارشناسان این گروه، روایی ظاهری پرسشنامه نیز تعیین و اصلاحات لازم طبق نظرات واصله در پرسشنامه صورت پذیرفت.

در این تحقیق پس از تعیین روایی پرسشنامه، این ابزار در بین ۱۵ دانش‌آموخته کار آفرین غیر از نمونه تحقیق توزیع که ضمن بررسی قابل فهم و مشخص بودن سؤالات، در مورد پاسخ سؤالات چندگزینه‌ای از آزمون کرونباخ آلفا جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق استفاده شد. ضریب پایایی کرونباخ آلفا برای شاخص‌های سنجش بین ۰/۸۹ تا ۰/۹۱ تعیین گردید. با توجه به روش‌شناسی این تحقیق، برای تجزیه و تحلیل داده‌های از نرم‌افزار SPSS11 تحت Windows استفاده شد. برای توصیف داده‌ها از آماره‌هایی مانند فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و ضریب تغییرات استفاده گردید.

نتایج

متخصصان حوزه کارآفرینی معتقدند که یکی از ویژگی‌های کارآفرینان ویژگی‌های خاص فردی است. لذا در این تحقیق یکی از ویژگی‌های مورد بررسی ویژگی‌های فردی و آموزشی پاسخگویان بود. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۳۲ سال بود که نشان دهنده آن است که پاسخگویان در دامنه سنی جوان تا میانسالی قرار داشتند. ۸۵/۳ درصد از پاسخگویان را مردان و ۱۴/۷ درصد را زنان تشکیل می‌داد که با نسبت جنسیتی دانش‌آموختگان دوره‌های علمی - کاربردی تناسب دارد. از نظر تحصیلاتی نیز حدود نیمی از پاسخگویان (۴۷/۳ درصد) دوره کارشناسی را به پایان رسانیده بودند و ۱۲/۲ درصد دانشجوی دوره کارشناسی و ۳۲/۴ درصد دارای مدرک تحصیلی کاردانی بودند.

توزیع آماری پاسخگویان برحسب چندمین فرزند خانواده بودن نشان داد که حدود نیمی از پاسخگویان (۴۶/۳ درصد) فرزند اول یا دوم خانواده بوده و ۳۱/۳ درصد نیز فرزند سوم و چهارم خانواده بودند و تنها ۱۲ درصد از آنان فرزند ششم تا دهم خانواده بودند که نشانگر آن است که کارآفرینان عمدتاً جزء فرزندان بزرگ خانواده خود بوده‌اند. توزیع آماری دانش‌آموختگان کارآفرین از نظر شغل پدر نشان داد که شغل پدر ۳۴/۸ درصد از آنان آزاد و شغل پدر ۲۲/۷ درصد کارمند و شغل پدر ۱۸/۲ درصد نیز کشاورزی بوده است. این درحالی بود که شغل پدر تنها ۴/۵ درصد کارگر، ۷/۶ درصد معلم و ۱۲/۱ درصد نیز دامدار بوده است. با توجه به حیطة فعالیت پاسخگویان که درحیطه کشاورزی و دامداری بوده است یافته‌ها نشان داد که شغل پدر ۲۰/۳ درصد از پاسخگویان کشاورزی و دامداری بوده است بدین مفهوم که شغل و پیشه پدر تاثیر قابل توجهی در فعالیت کارآفرینانه پاسخگویان نداشته است.



توزیع آماری شغل مادر پاسخگویان نشان داد که شغل مادر اکثر آنان (۸۵/۵ درصد) خانه داری، شغل مادر ۸/۷ درصد کارمند بوده است و تنها شغل مادر ۱/۴ درصد از آنان کشاورزی بوده است بنابراین شغل مادر نیز تاثیری در فعالیت کارآفرینانه پاسخگویان نداشته است.

توزیع آماری پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی نشان داد که اکثر پاسخگویان (۳۴/۲ درصد) در حیطه علوم دامی و مابقی در رشته‌های مرتبط با آبزیان (۸/۶ درصد)، پرورش زنبورعسل (۸/۶ درصد) بودند. این درحالی بود که رشته تحصیلی تنها ۱/۴ درصد از پاسخگویان تولید و فرآوری پسته و گیاهپزشکی بوده است. ۳۷/۵ درصد از دانش‌آموختگان در سال‌های تحصیلی ۸۹ و ۸۸ فارغ‌التحصیل و ۲۹/۲ درصد نیز در سالهای ۹۱ و ۹۰ فارغ‌التحصیل شده بودند. بدین مفهوم که بیش از نیمی از پاسخگویان (۶۶/۷ درصد) در سال‌های اخیر فارغ‌التحصیل شده بودند و مابقی قبل از سال تحصیلی ۸۸ فارغ‌التحصیل گردیده بودند.

توزیع آماری پاسخگویان بر حسب نوع کسب و کار نشان داد که فعالیت‌های بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۱ درصد) تولیدی و فعالیت ۳۲/۴ درصد از فاغ‌التحصیلان خدماتی و تنها ۹/۵ درصد تجاری بوده است. رشته و گرایش تحصیلی پاسخگویان نیز مؤید این امر بود که گرایش و علاقه‌مندی دانش‌آموختگان کارآفرینی دوره‌های علمی- کاربردی کشاورزی به فعالیت‌های تولیدی و سپس خدماتی می‌باشد. با توجه به نوع کسب کار غالب دانش‌آموختگان کارآفرین و رشته تحصیلی آنان، نوع فعالیت پاسخگویان نیز نشانگر آن بود که حدود نیمی از دانش‌آموختگان (۴۶/۷ درصد) در فعالیت‌های دامداری، مرغداری و زنبورداری که فعالیتی تولیدی درحیطه علوم دامی محسوب می‌شود فعالیت داشته و فعالیت ۲۳/۵ درصد از آنان در امور خدماتی و تاسیساتی بوده است. درصد اندکی از پاسخگویان نیز در سایر امور فعالیت داشتند.

یکی از ارکان اساسی هر کسب و کاری فضای فیزیکی و نوع مالکیت آن است که راه اندازی واحدهای کسب و کار مستقل را تسهیل یا تضعیف می‌نماید. از نظر وضعیت حقوقی مالکیت واحد کسب و کار، یافته‌ها نشان داد که واحد کسب و کار نیمی از پاسخگویان به صورت فردی و واحد کسب و کار نیمی دیگر به صورت جمعی و گروهی و به اشکال تعاونی (۱۸/۱ درصد)، شرکتی (۱۳/۹ درصد) و پذیرش نمایندگی (۱/۴ درصد) بوده است

توزیع آماری نوع مالکیت زمین واحد کسب و کار پاسخگویان نشان داد که مالکیت زمین واحد کسب و کار بیش از نیمی از پاسخگویان (۵۸/۶ درصد) به صورت اجاره‌ای و مالکیت زمین واحد کسب و کار (۳۷/۱ درصد) به صورت شخصی بوده است. از آنجا که راه‌اندازی واحدهای کسب و کار نیازمند سرمایه اولیه می‌باشد که یکی از ارکان مهم در تشکیل هر واحد کسب و کاری بوده و در راه‌اندازی واحدهای کسب و کار کارآفرینانه نقش مهمی ایفا می‌نماید لذا از پاسخگویان خواسته شد تا منابع تامین سرمایه اولیه را تضمین نماید که یافته‌ها نشان داد که منبع تامین سرمایه اولیه ۷۳/۷ درصد از پاسخگویان به صورت شخصی و منبع تامین سرمایه تنها ۲۶/۳ درصد از آنان از تسهیلات و وام بانکی تامین شده است که این امر تاثیر سرمایه شخصی را در راه‌اندازی واحدهای کسب و کار مستقل محرز می‌نماید.

توزیع آماری پاسخگویان بر حسب تعداد افراد شاغل در واحد کسب و کار نشان داد که تعداد افراد شاغل در واحد کسب و کار ۶۲ درصد از پاسخگویان کمتر از ۵ نفر بوده و تعداد افراد شاغل در واحدهای ۲۱/۱ درصد ۵ الی ۱۰ نفر و مابقی واحدهای کسب و کار (۱۶/۹ درصد) دارای بیش از ۱۰ نفر شاغل در واحد کسب و کار خود بود که این نشانگر آن است که واحد کسب و کار بیش از نیمی از پاسخگویان از نوع کوچک بوده است.

یکی از اهداف اصلی این تحقیق بررسی عوامل موثر بر راه اندازی، اداره و توسعه واحدهای کسب و کار آفرینانه بود. بدین منظور از پاسخگویان خواسته شد تا نظر خود را در خصوص برخی از عوامل از پیش تعیین شده ابراز نمایند. یافته‌ها نشان داد که از نظر پاسخگویان؛ اداره، پی‌گیری و پشتکار شخصی، تمایل به پیشرفت حرفه‌ای و آینده‌نگری به عنوان عوامل درونی و فردی بیشترین تاثیر را در این خصوص داشته و پس از آن پیاده نمودن ایده‌های نوآورانه و شخصی همراه با استقلال کاری و شغلی و میل به موفقیت و برتری‌جویی که از ویژگی‌های بارز کارآفرینان و فرآیند کارآفرینی می‌باشد به عنوان مهمترین عوامل و مشوق انگیزشگر مطروحه از سوی پاسخگویان جهت راه‌اندازی و مدیریت واحدهای کسب و کار کارآفرینانه عنوان شد. این در حالی بود که



عوامل بیرونی همچون قوانین، مقررات، سیاست‌ها، طرح‌ها و حمایت‌های دولتی به عنوان کم اثرترین عوامل در این فرایند ایفای نقش نموده و الگوگیری از دوستان و همسالان و نارضایتی از شغل قبلی، فرار از بیکاری، پرکردن اوقات فراغت به عنوان دیگر عوامل کم تاثیر در این فرایند مطرح گردید (جدول ۱).

جدول ۱) عوامل مؤثر بر راه‌اندازی، اداره و توسعه واحد کسب و کار مستقل و فعالیتهای کارآفرینانه

عوامل مؤثر	تعداد	میانگین ×	انحراف معیار	ضریب تغییرات
اراده، پی‌گیری و پشتکار شخصی	۷۲	۴.۳۲	۰.۸۲	۱۸.۹۸
تمایل به پیشرفت حرفه‌ای بیشتر	۷۰	۴.۳۷	۰.۸۷	۱۹.۹۱
آینده نگری	۷۲	۴.۱۷	۰.۸۵	۲۰.۳۸
پیاده نمودن ایده‌های نو (نوآورانه) شخصی	۷۳	۴.۲۲	۰.۹۵	۲۲.۵۱
استقلال کاری و شغلی	۷۱	۴.۰۸	۰.۹۴	۲۳.۰۳
میل به موفقیت و برتری‌جویی	۷۰	۴.۰۷	۰.۹۸	۲۴.۰۸
اجرای آموخته‌ها و تجارب تحصیلی و دانشگاهی در حیطه عمل	۷۱	۴.۰۶	۱.۰۹	۲۶.۸۵
ایفای نقش فعال در بازار	۷۰	۳.۸۸	۱.۰۷	۲۷.۵۸
بهره‌گیری از دانش، مهارت و تجارب شخصی	۷۳	۳.۹۳	۱.۰۹	۲۷.۷۳
تجارب، راهنمایی و مشاوره سایرین	۷۱	۳.۷۰	۱.۰۳	۲۷.۸۴
کسب درآمد بیشتر	۷۲	۳.۷۵	۱.۰۸	۲۸.۸
میل به خطر پذیری و پذیرش ریسک	۷۰	۳.۶۸	۱.۱۷	۳۱.۷۹
بهره‌گیری از سرمایه شخصی در کسب و کار	۷۰	۳.۶۳	۱.۱۷	۳۲.۲۳
امنیت سرمایه‌گذاری و اطمینان از کسب سود	۷۱	۳.۶۳	۱.۲۲	۳۳.۶۱
امنیت شغلی و حرفه‌ای	۷۱	۳.۶۹	۱.۲۶	۳۴.۱۵
ایجاد اشتغال برای اعضای خانواده و سایرین	۷۱	۳.۷۲	۱.۳۳	۳۵.۷۵
شرایط و حمایت‌های خانوادگی و خویشاوندی	۷۱	۳.۳۷	۱.۲۴	۳۶.۷۹
دسترسی به فناوریهای نوین	۷۰	۳.۳۴	۱.۲۵	۳۷.۴۲
دسترسی به فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی	۷۱	۳.۱۸	۱.۲۴	۳۸.۹۹
کسب وجهه (پرستیژ) اجتماعی و مشهور شدن	۷۳	۳.۲۵	۱.۳۷	۴۲.۱۵
دسترسی به نیروی کار	۷۱	۳.۱۸	۱.۳۸	۴۳.۴۰
اعتقادات و سنتهای محلی و شخصی	۷۱	۲.۹۴	۱.۳۰	۴۴.۲۲
دسترسی به سرمایه مازاد	۷۰	۲.۸۸	۱.۳۱	۴۵.۴۹
دسترسی به مواد اولیه (خام)	۷۱	۲.۹۰	۱.۳۳	۴۵.۸۶
پر کردن اوقات فراغت	۷۱	۳.۱۳	۱.۴۶	۴۶.۶۴
ترس از عدم اشتغال و فرار از بیکاری	۶۸	۳.۰۴	۱.۴۵	۴۷.۶۹
نارضایتی از شغل قبلی (در صورت احراز مشاغل در گذشته)	۵۹	۲.۴۱	۱.۲۰	۴۹.۷۹
الگوگیری از دوستان و همسالان	۷۱	۲.۷۷	۱.۴۵	۵۲.۳۴
قوانین، مقررات، سیاستها، طرحها و حمایت‌های دولت	۷۲	۲.۵۷	۱.۳۸	۵۳.۷۰

× مقیاس: ۱: خیلی کم، ۲: کم، ۳: متوسط، ۴: زیاد، ۵: خیلی زیاد

بحث



کارآفرینان افرادی هستند که قادر به تبدیل رویاها و ایده‌های خلاقانه و نوآورانه خود به حقیقت می‌باشند. برای واژه کارآفرینی تعاریف گسترده‌ای وجود دارد و نمی‌توان تعریف مشخص و واحدی را برای کارآفرینی ارائه داد زیرا هر یک از محققین با توجه به زمینه تخصصی خود تعریف خاصی از کارآفرینی داشته‌اند. البته باید توجه داشت تعریف کارآفرینی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که در آن واقع می‌شود بستگی دارد و در این تحقیق تعریفی که برای کارآفرین در نظر گرفته شده است شامل فردی است که کسب و کار مستقلی را در بخش تولیدی، خدماتی یا تجاری کشاورزی راه‌اندازی نموده است که منجر به ایجاد ثروت و خلق ارزش گردیده است.

سالم‌هاست که محققان در پی یافتن پاسخ این سؤال هستند که چه ویژگی‌ها و شرایطی باعث پرورش روحیه کارآفرینی در افراد جامعه می‌شود تا از این طریق، شرایط مساعد زمینه ساز پرورش کارآفرینان در جوامع را فراهم نمایند. سالها مطالعه نشان داده است که عوامل درونی و پیرامونی بسیاری در این امر ایفای نقش می‌نمایند. متغیرهای شخصیتی و روانشناختی و نیز جمعیت‌شناختی و محیطی از جمله این ویژگی‌ها می‌باشند. از سوی دیگر امروزه اشتغال دانش‌آموختگان نظام‌های آموزشی یکی از چالش‌های اساسی جوامع محسوب می‌شود که اهمیت تربیت دانش‌آموختگان کارآفرین، خلاق و نوآور را برای نظام‌های آموزشی ضروری می‌سازد. لذا بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی و پرورش دانش‌آموختگان کارآفرین در نظام‌های آموزش عالی و از جمله آن نظام آموزش علمی کاربردی که با هدف تربیت نیروی انسانی متخصص، ماهر و کارآفرین ایفای نقش می‌نماید همواره مورد توجه محققان امر بوده است. لذا هدف اصلی این تحقیق بررسی عوامل موثر بر کارآفرینی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی بود. از نظر متخصصان یکی از عوامل موثر بر پرورش روحیه کارآفرینی، پرورش در خانواده‌ای است که دارای سابقه فعالیت کارآفرینانه باشند. لذا در این تحقیق از کارآفرینان سوال شد که آیا عضوی از اعضای خانواده یا خویشاوندان آنها دارای کسب و کار مستقل بوده‌اند که یافته‌ها نشان داد که خانواده یا خویشاوندان حدود نیمی از پاسخگویان دارای کسب و کار فعلی آنها بوده‌اند که نشانگر تاثیر خانواده بر پرورش روحیه کارآفرینی در پاسخگویان بود. یافته‌های تحقیق سایر محققان نیز نشان داد که خانواده و دوستان به عنوان الگوهای نقش برای کارآفرین شدن موثر می‌باشند. تاثیر زمینه‌های خانوادگی و نقش پدر و مادر بر روی کارآفرینان به طور اخص مهم می‌باشند. کارآفرینانی که خانواده‌شان کار آفرین بودند، کار آفرینی‌شان با کار آفرینی خانواده‌شان رابطه مستقیم داشت (بنت و دان، ۲۰۰۰) بطوریکه اغلب کار آفرینان دارای پدرهای خود اشتغال بودند.

یافته‌های این تحقیق نشان داد که کارآفرینان دانش‌آموخته آموزش‌های علمی - کاربردی کشاورزی از نظر ویژگی‌های فردی عمدتاً در دامنه سنی جوان تا میانسال قرار داشته و اکثر آنها را مردان تشکیل می‌دادند. نیمی از طیف مورد بررسی فرزند اول یا دوم خانواده خود بودند. هیسریچ (۱۹۹۸) در تحقیقات خود دریافت که احتمال کار آفرین شدن برای فرزندان اول یک خانواده بیشتر از سایر بچه هاست. از نظر ویژگی‌های حرفه‌ای نیز یافته‌ها نشان داد که پاسخگویان از فعالیت‌های مرتبط با بخش کشاورزی عمدتاً علاقه‌مند به فعالیت‌ها در زمینه علوم دامی، طیور و آبزیان بوده‌اند. با توجه به رشته تحصیلی، نیمی از کارآفرینان در فعالیت‌های تولیدی و مابقی در فعالیت‌های خدماتی و تجاری فعالیت داشتند. از نظر وضعیت مالکیت واحدهای کسب و کار نیمی از کارآفرینان به صورت فردی و نیمی دیگر در اشکال مختلف فعالیت گروهی فعالیت می‌نمودند و سرمایه‌گذاری شخصی منبع تامین سرمایه اولیه اکثر کارآفرینان مورد بررسی بود. همچنین نوع کسب و کار اکثر کارآفرینان از نوع کوچک تا متوسط بود و اکثر پاسخگویان از فعالیت خود رضایت داشته و تمایلی به تغییر شغل فعلی خود نداشتند. از نظر عوامل موثر بر اداره و توسعه واحد کسب و کار مستقل و فعالیت‌های کارآفرینانه یافته‌ها نشان داد که به ترتیب تجربه‌اندوزی و ایفای نقش فعال، پیشرفت و نوگرایی، ریسک‌پذیری و پشتکار، امنیت و استقلال طلبی، سودآوری، سرمایه (سخت‌افزاری و نرم‌افزاری) و الگوبرداری، امنیت شغلی و حمایت خانوادگی و اعتقادات و وجهه اجتماعی بر این امر تاثیر دارد. نتایج تحقیق دهلین و مالوترا (۱۹۹۳) روی کارآفرینان نشان داد که آنان خواستار آزادی عمل و کسب درآمد بودند، در دستیابی به خواسته‌های خود اصرار می‌ورزند و عموماً ریسک‌پذیر هستند. بروکهاوس و هرویتس (۱۹۸۶) در پژوهشی در باره کارآفرینان به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه‌های همانند توفیق طلبی و استقلال طلبی در ایجاد کسب و کار آنان بسیار موثر است. نتایج تحقیق هیسریچ و پیترز (۱۹۸۹) درباره کارآفرینان نشان داد که مهمترین ویژگی‌های



شخصیتی کارآفرین توفیق طلبی، استقلال طلبی، خلاقیت و انعطاف پذیری بوده است. هیسریج و براش (۱۹۹۸) به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهایی همانند تجربه قبلی، تحصیلات، مشارکت در کسب و کار، مهارت‌های مدیریتی و سن، وضعیت تاهل و وضعیت اقتصادی در دوران زندگی، تاثیر قابل توجهی بر موفقیت کارآفرین دارد. در سال ۱۹۹۵ تانگ و یو در مطالعه‌ای در کشور سنگاپور به این نتیجه رسیدند که رویه‌ها و سیاست‌های دولت، شرایط اجتماعی اقتصادی، حمایت‌های مالی برای ایجاد کسب و کار بر کارآفرینی موثر می‌باشند. سیموز در مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۸ نتیجه گرفت که حمایت‌های مالی برای ایجاد کسب و کار بر کارآفرینی موثر است. تیجی و ویکری در مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۸ توسعه کارآفرینی را متأثر از رویه‌ها و سیاست‌های دولت و شرایط اجتماعی اقتصادی دانستند. تروو و نیتی کانگاس در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند که شرایط اجتماعی اقتصادی و مهارت‌های کارآفرینی بر کارآفرینی موثر است. در تحقیقی که بوسیله سوزان (۱۹۹۸) در آمریکا انجام گرفته است مشخص گردید که مهمترین انگیزه کارآفرینان مورد مطالعه برای شروع کار جدید، نیاز به پیشرفت و نیاز به احساس رضایت از کار بوده است (Suzanne, 1998). هیسریج (۱۹۸۴) به نقل از نتایج تحقیقات کومیک آورده است که اکثر کارآفرینان مورد مطالعه انگیزه چندانی برای کسب درآمد نداشتند، بلکه علاقمند بودند که کیفیت محصول خود را به عنوان یک امتیاز رقابتی افزایش دهند.

پیشنهادها

شناسایی ایده‌های خلاقانه در مراکز آموزشی و تشویق و راهنمایی دانشجویان به عملی نمودن نوآوریها در عرصه‌های کشاورزی

توجه به عوامل محیطی جهت تسهیل راه‌اندازی واحدهای کسب و کار کارآفرینانه

شناسایی و تقویت انگیزنده‌های درونی و فردی جهت تشویق دانش‌آموختگان جهت حرکت به سمت فعالیت‌های کارآفرینانه

کشف و پرورش استعدادها، استقلال‌طلبی، نوگرایی و ریسک‌پذیری دانشجویان علمی کاربردی کشاورزی و هدایت آن بسوی فعالیت‌های کارآفرینانه

تشویق دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی کشاورزی به راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه در جهت کسب سود اقتصادی و وجهه اجتماعی

فهرست منابع

- احمدپورداریانی، م. و م. بقایی (۱۳۸۸)، *مبانی کارآفرینی*، تهران، انتشارات سرپرا.
- بستاک، م. (۱۳۸۹). تحلیل عاملی مولفه‌های موثر بر اشتغال دانش‌آموختگان دوره‌های علمی کاربردی، *فصلنامه پژوهش و مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۱۴.
- حیدری ساربان، و. (۱۳۹۱). عوامل موثر بر تقویت کارآفرینی کشاورزان در مناطق روستایی، *فصلنامه علمی پژوهشی انجمن جغرافیایی ایران*، سال دهم، شماره ۳۵.
- دهقانپور فر، ع. (۱۳۸۱). کارآفرینی و کارآفرینان: تعارف و ویژگی‌ها، *فصلنامه صنایع*، شماره ۳۲.
- ذیگلری، ف. (۱۳۸۴). نظارت و ارزشیابی آموزشی و اهمیت آن در سازمان، *دو ماهنامه مدیریت*، سال پانزدهم، شماره ۱۰۵-۱۰۶.



- شریعتی، م. ت. و مهاجری، ع. (۱۳۸۵). بررسی برنامه درسی و مهارت‌های برنامه‌ریزی در آموزش علمی کاربردی، دو ماهنامه جهاد، شماره ۲۷۴، آذر و دی ۸۵.
- طالبی، ک و م. ر. زارع یکتا. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی دانشگاهی و نقش آن در ایجاد و توسعه شرکتهای کوچک و متوسط دانش بنیان، فصلنامه توسعه کارآفرینی، شماره ۱.
- فیض بخش، ع. (۱۳۸۴). تاثیر نحوه راه‌اندازی کسب و کار بر میزان توفیق کارآفرینان ایرانی، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۶۸.
- فیض بخش، ع. ا. و همکاران، (۱۳۸۲). اهداف برنامه‌های توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک، رهیافت، شماره ۲۹، بهار ۸۲، صص ۴۸-۴۳.
- مجددی، س. (۱۳۸۰). راهکارهای توسعه کارآفرینی در بخش صنعت، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
- آقاجانی، ح. و ع. الف. حسین زاده. (۱۳۸۹). مدل علی تغییرات اثرات ویژگی‌های شخصی بر کارآفرینی، راهبرد فرهنگ، شماره ۱۰ و ۱۱.
- بدری، الف. م. ج. لیاقتدار، م. ر. عابدی و الف جعفری. (۱۳۸۵). بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰.
- خادم آدم، ن. (۱۳۷۱). سیاست‌های اقتصاد کشاورزی در نظام‌های مختلف و ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه. شماره ۴۱.

- Fry, Fred L. (1993), *Entrepreneurship - A Planning Approach*, St. Paul, Minnesota: West Publishing Company. *Advanced management*, summer : 4-9
- Hisrich R.D. & Brush C.G. (1988), *Women entrepreneurs: problems and opportunities*. In *Women's Careers, Pathways and Pitfalls* (Ed. by S. Rose and L. Larwood), pp. 193-207. Greenwood Press, .
- McClellid, D.C. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs, *Journal of creative behavior*, 21(3).
- McClellid, D.C. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs, *Journal of creative behavior*, 21(3)
- Perry, C. (2001), "Relationship between Written business Plans and the Failure of Small Business in the US", *Journal of Small Business Management*, 39(3), pp. 201-208



Factors affecting on entrepreneurship in graduates of applied scientific higher education

Shahram Moghaddas Farimani*¹, Mojtaba Rajabbaigy²

Assistant professor of applied scientific higher education institution¹, Associate professor of applied scientific higher education institution²

Abstract

This study was conducted to investigate the determinates of entrepreneurship in applied scientific higher education in different agricultural fields. The methodology was descriptive with a survey approach. The statistical population was consisted of those who graduated from one of applied scientific higher educational centers in different agricultural fields. The sampling method was available sampling and from seven applied scientific higher educational centers at 32 of them, some 76 graduated who were entrepreneurs were available samples. The main instrument of the research for data collection was a questionnaire. The validity of instrument was approved by panel of expert and the reliability was approved by croncachs alpha coefficient which was 0.89 to 0.91 . result show that respondent are in young to middle aged range and most of them are males. Half of them are the first or second child of their family. Findings show that respondents mainly interested in the field of animal science, poultry and fisheries. According to the field of study, half of them are working in production and the other is working in service and business activities. Half of them are working individually and half as cooperation. Individual investment is the main findings of their financial supports. Their type of their business is small and medium size business. Most of respondents are satisfied with their business and are not willing to change their business. Gain experience, play an active role, progress and innovative, risk taking, preservance, security and independence, profitability, capital, benchmarking, job security, family support, beliefs and social status, affect on administration and development entrepreneurial business unit. Identify and strengthen of internal and personal motivation for encourage graduates to move toward entrepreneurship activities, discovering and fosterage of independence talents, innovative and risk taking of applied scientific higher education student and promoting of graduates for startup entrepreneurial activates for getting economic profit and prestige were some recommendation of this research.

Keywords: applied scientific higher education, business, entrepreneurship, graduated in agriculture